

مجلس تریبونا و هیئت قانونگذاری مخالف زیاد داشت که گاهی لوایح او را رد کرده و عملیات و اقدامات ویرا مورد انتقاد شدید قرار میدادند. نظر به مخالفت مجلس تریبونا و هیئت قانونگذاری با لوایح پیشنهادی دولت و خاصه طرح قانون مدنی ناپلئون بر آن شد که مخالفین خود را از مجالس مزبور دور کند.

بصورتیکه در بالا خاطر نشان گردید مطابق قانون اساسی ۱۷۹۹ اعضای مجلس تریبونا و هیئت قانونگذاری را مجلس سنا برای مدت پنج سال از بین اشخاصی که جزء لیست ملی بودند تعیین مینمود و هر سال انتخاب یک پنجم آنها بایستی تجدید شود و تجدید انتخاب قرار بود در خلال سال دهم جمهوری یعنی ۱۸۰۲ انجام یابد. هر چند در ماده ۳۸ قانون اساسی مزبور ضریقه تجدید انتخاب یک پنجم اعضای مجالس پیرامینی نشده بود معذک مردم فرانسه یقین داشتند که مجلس سنا بحکم قرعه یک پنجم نمایندگان را از مجالس خارج و بجای آنها از لیست ملی اعضای جدیدی تعیین خواهد کرد و اما مجلس سنا پس از وصول پیام دولت برخلاف انتظار افکار عمومی در جنگ مورخ ۱۸ مارس ۱۸۰۲ از مجلس تریبونا بیست نفر و از هیئت قانونگذاری شصت نفر را که همگی از مخالفین سرسخت دولت بودند بدون قرعه خارج نمود.

این تصمیم خلاف اصول و منطق مجلس سنا که طبق دستور ناپلئون اتخاذ گردیده بود برای تسکین حس جادطلبی و بلندپروازی کنسول اول کافی نبود و در با تشییع مقام خود در داخل فرانسه و توسعه فتوحات خویش در جنگ میخواست او را مادام العمر بریاست قوه مجریه انتخاب کنند و اختیارات و امتیازات بیشتری بر او اوقائل شوند. پس از انعقاد پیمان صلح آمین (۱) بتاريخ ۲۵ مارس ۱۸۰۲ بین فرانسه از یک طرف و انگلستان اسپانیا و هلند از طرف دیگر شورای دولتی پیشنهاد کرد که بعنوان قدردانی و حق شناسی از خدمات ناپلئون در جنگ و انعقاد عهدنامه صلح جنگ را با سه دولت توانای آن زمان بنفع فرانسه خاتمه داده و صلح و صفای راه اروپای غربی برقرار میساخت ناپلئون مادام العمر به سمت کنسول اول انتخاب شود.

س از تائید این پیشنهاد از طرف مجلس تریبوننا و هیئت قانون گذاری موضوع به آراء عمومی ارجاع و با کثرت ۳۵۶۸۸۸۵ رأی موافق در برابر ۸۳۶۵ رأی مخالف به سویب رسید که نتیجتاً مجلس سنا بموجب تصویبنامه (۱) مورخ ۲ اوت ۱۸۰۲ ناپلئون اکنسول مادام العمر اعلام نمود .

واما آراء متجاوز از سه میلیون و نیم فرانسوی داتر به مادام الحیوة بودن مقام کنسول اول نتوانست موجبات رضایت ناپلئون را فراهم سازد . وی مسموم بود که جدید نظری در قانون اساسی سال هشتم بعمل آورده اختیارات بیشتری تحصیل کند برای تأمین این منظور ناپلئون طرح قانون اساسی جدید فرانسه را تنظیم و برای رسیدگی به شورای دولتی ارسال داشت و شورای مزبور طرح پیشنهادی کنسول اول ایس از مذاکره خیلی مختصر قبول کرد سپس مجلس سنا طرح مزبور را در جلسه ۲ اوت ۱۸۰۲ تصویب نمود و همین طرح بدون ارجاع به فراندوم بموقع اجرا گذارده شد .

بحث دوم

در جمیع انتخاباتی

قانون اساسی ۱۸۰۲ سه نوع مجامع انتخاباتی منظور داشته بود که عبارت بود از مجمع ناحیه (۲) هیئت رأی دهندگان بخش (۳) و هیئت رأی دهندگان شهرستان (۴) . مجمع ناحیه ای را کلیه ساکنین محل که واجد شرایط قانونی بشودند تشکیل میدادند . رئیس مجمع ناحیه ای را کنسول اول برای مدت پنج سال انتخاب میکرد و دو نفر از مسن ترین و دو نفر هم از جوانترین رأی دهندگان برای نظارت در انتخابات تعیین میشدند . از نظر سهیل در انجام وظائف محوله مجمع ناحیه ای به مجامع فرعی تقسیم میشد . کنسول اول از بین دو نفر که مجمع ناحیه ای پیشنهاد میکرد یکی را بسمت امین صلاح تعیین

Assemblée de canton -- ۲ Sénatus consulte ۱

Collège électoral d'arrondissement - ۳

Collège électoral de département - ۴

مینمود و بهمین ترتیب يك نفر بعنوان جانشین امین صلح انتخاب میشد. امنای صلح و جانشینان آنها برای مدت ده سال تعیین میشدند. مجامع ناحیه‌ای اعضای شوراهای شهر را از بین صد نفر که بیشتر از دیگران مالیات میپرداختند تعیین میکردند و هر ده سال نصف اعضای شوراهای شهر تجدید میشد. شهردار و معاونین او را کنسول اول برای پنج سال انتخاب میکرد. تجدید انتخاب مانعی نداشت. مجمع ناحیه‌ای چند نفر را که قانون با در نظر گرفتن تعداد سکنه منظور داشته بود به عضویت هیئت رأی دهندگان بخش و چند نفر را هم به عضویت هیئت رأی دهندگان شهرستان انتخاب میکرد. دولت مجامع ناحیه‌ای را منعقد نموده و دوره جلسات و دستور مذاکرات مجامع مزبور را معین میکرد.

هر يك از هیئت‌های رأی دهندگان بخش برای هر پانصد نفر سکنه يك عضو داشت بهر حال عده اعضای هیچيك از هیئت‌های مزبور نمیتوانست بیشتر از دویست و کمتر از صد و بیست نفر باشد و هیئت‌های رأی دهندگان شهرستانها برای هر هزار نفر سکنه يك عضو داشتند و این عده نبایستی بیشتر از سیصد و کمتر از دویست نفر باشد. اعضای هیئت‌های انتخاب کنندگان بخش و شهرستانها مادام‌العمر انجام وظیفه میکردند. چنانچه یکی از اعضای هیئت‌های مزبور عملی خلاف شرافت انجام میداد یا اقدامی بر علیه مصالح کشور میکرد هیئت مربوطه بنا به تقاضای دولت و با کثرت سه ربع آراء میتواند او را از عضویت خارج کند و همچنین اگر یکی از اعضا بدون عذر موجه در سه جلسه متوالی حاضر نمیشد از او نیز سلب عضویت میشد. کنسول اول رؤسای هیئت‌های رأی دهندگان بخش و شهرستانها را تعیین میکرد. در هر يك از بخش‌ها از شصت نفر مؤدی که بیشتر از مؤدیان دیگر مالیات مستقیم میپرداختند صورت‌برداری میشد و هیئت رأی دهندگان بخش از بین اشخاص مزبور عده مقرر در قانون را به عضویت هیئت شهرستان انتخاب میکرد و ضمناً کنسول اول حق داشت ده نفر از بین اشخاصی که دارای نشان افتخار (۱) بوده یا خدمات شایانی بملت فرانسه انجام داده بودند به عضویت هر يك از هیئت‌های بخش تعیین کند.

به علاوه کنسول اول حق داشت به صلاح دید خود بیست نفر را به عضویت هر يك از هیئتهای شهرستان انتخاب کند و از این بیست نفر ده نفر بایستی از مؤدیانی که بیشتر از دیگران مالیات مستقیم میپرداختند بوده و ده نفر هم از بین دارندگان نشان افتخار یا اشخاصی که خدمات قابل توجهی بملت فرانسه کرده بودند انتخاب شده باشند.

هر يك از هیئتهای ولایتی دو نفر را برای هر کرسی خالی در شورای شهرستان پیشنهاد میکرد و کنسول اول از بین آنها يك نفر را به عضویت شورای مزبور تعیین مینمود. اعضای شوراهای شهرستان برای پانزده سال انتخاب میشدند و هر پنج سال انتخاب يك ثلث آنها تجدید میشد. هر يك از هیئتهای رأی دهندگان شهرستان دو نفر را به عضویت مجلس تریبونا دو نفر دیگر را به عضویت هیئت قانون گذاری و دو نفر را هم بنمایندگی مجلس سنا پیشنهاد میکرد و از بین این اشخاص نمایندگان مجالس مزبور یعنی تریبونا و هیئت قانون گذاری و سناترین میشدند. در صورت عدم رعایت قوانین و سایر مقررات دولت حق داشت هیئتهای رأی دهندگان را منحل و دستور تجدید انتخابات هیئتهای مزبور را صادر کند.

مبحث سوم

کنسولها

بموجب قانون اساسی ۱۸۰۲ وظایف قوه مجریه به سه نفر کنسول تفویض شده بود. کنسولها مادام العمر انجام وظیفه میکردند. کنسولها نمایندگی مجلس سنا را داشته ریاست مجلس مزبور را نیز عهده دار بودند. چون ناپلئون دو روز قبل از تصویب قانون اساسی سال دهم جمهوری بموجب تصویبنامه مورخ ۲ اوت ۱۸۰۲ مجلس سنا مادام العمر بسمت کنسول اول انتخاب شده بود از اینجهت قانون اساسی مزبور به بیان طریقه انتخاب کنسول دوم و سوم اکتفا کرده مقرر میداشت که در صورت بلا تصدی بودن یکی از این دو مقام کنسول اول يك نفر را برای احراز آن مقام به مجلس سنا پیشنهاد خواهد کرد و در صورت مخالفت سنا با شخص پیشنهاد شده کنسول اول بایستی شخص دیگری را پیشنهاد کند و چنانچه این دفعه هم کاندیدای پیشنهاد

شده از طرف ناپلئون بامخالفت سنا مواجه میشود در این صورت نامبرده برای دفعه سوم شخص ثالثی را معرفی می‌کند و این دفعه مجلس سنا موظف بود فرمان انتصاب او را بسمت کنسول صادر کند.

کنسول اول میتواندست به تشخیص و صلاح دید خود يك نفر را بعنوان جانشین خود در نظر گرفته انتصاب او را از سنا خواستار شود و همچنین کنسول اول مجاز بود بموجب وصیتنامه يك نفر را به قائم مقامی خود تعیین کند و چنانچه چنین شخصی مورد قبول سنا واقع نمی‌گردد هر يك از کنسولهای دوم و سوم شخص دیگری را به سنا معرفی می‌کردند و در صورت عدم موافقت با اشخاص پیشنهاد شده اشخاص دیگری پیشنهاد میشدند و مجلس سنا ناچار یکی از آنها را بسمت جانشین کنسول اول تعیین و فرمان او را صادر می‌کرد. چنانچه کنسول اول قبل از فوت جانشین خود را به مجلس سنا پیشنهاد نکرده و یا بموجب وصیتنامه هیچ کس را به قائم مقامی خود تعیین نمینمود در هر يك از این دو مورد مجلس سنا بنا به پیشنهاد کنسول دوم و سوم يك نفر را بسمت کنسول اول انتخاب می‌کرد و تمام این تشریفات بایستی در ظرف ۲۴ ساعت پس از فوت کنسول اول انجام یابد.

اهم وظائف کنسول اول بشرح زیر بود:

- ۱ - کنسول اول حق پیشنهاد لوایح قانونی را داشت.
- ۲ - کنسول اول و وزراء و مأمورین عالی‌مقام کشوری و نظامی را عزل و نصب مینمود.
- ۳ - فرماندهی قوای بری و بحری با کنسول اول بود.
- ۴ - کنسول اول پس از طرح موضوع در شورای خصوصی (۱) قراردادهای بین‌المللی منجمده عهدنامه‌های صلاح و اتحاد نظامی را منعقد و تصویب مینمود.
- ۵ - کنسول اول بنا به پیشنهاد هیئت‌های ولایتی اعضای شوراهای شهرستان را انتخاب می‌کرد.
- ۶ - کنسول اول حق داشت بدون پیشنهاد هیئت‌های رأی‌دهندگان يك عده را از

اهل علم و هنر و اشخاصی که خدمات شایانی به فرانسه نموده بودند به عضویت سنا تعیین کند بشرط اینکه بر اثر این انتصابات مجموع سناتور ها از صد و بیست نفر تجاوز نکند .

۷ - انتصاب اعضای شورای خصوصی با کنسول اول بود فقط کنسول دوم و م بواسطه مقام خود در شورای خصوصی عضویت داشتند .

۸ - کنسول اول با جلب نظر مشورتی شورای خصوصی میتواندست محکومین سیاسی و غیر سیاسی را مورد عفو قرار دهد یا تخفیفی در مجازات آنها قائل شود .

مبحث چهارم

شورای خصوصی - شورای دولتی - تریبونال - هیئت قانون گذاری - دیوان کشور
اهم وظائف مجلس سنا بشرح زیر بود :

۱ - مجلس سنا مسائلی را که در قانون اساسی پیش بینی نشده ولی برای رای آن کمال ضرورت را داشت حل و فصل مینمود .

۲ - مجلس سنا قانون اساسی را تفسیر میکرد .

۳ - حق انحلال مجلس تریبونال و هیئت قانون گذاری با مجلس سنا بود .

۴ - مجلس سنا احکام محاکم را که از لحاظ امنیت کشور زیان آور بود لغو میکرد .

۵ - مجلس سنا مقررات لازم الاجرائی برای مستعمرات فرانسه وضع مینمود .

۶ - مجلس سنا در تمام خاک فرانسه یا بعضی نقاط آن حکومت نظامی برقرار میکرد .

۷ - مجلس سنا در صورت لزوم هیئت منصفه را در بعضی ولایات منحل میکرد .

تمام این تصمیمات را مجلس سنا بنا به پیشنهاد دولت یعنی کنسول اول اتخاذ میکرد . بطور کلی تصمیمات مجلس سنا با کثرت عادی آراء یعنی نصف بعلاوه يك

در حاضر در جلسه اتخاذ میگردد مگر در مورد تکمیل و تفسیر قانون اساسی و وضع مقررات برای مستعمرات که مستلزم موافقت دولت سناتور ها بود . طرح مصوبات

مجلس سنا قبلا در شورای خصوصی مرکب از سه نفر کنسول دو نفر از وزراء دو سناتور دو نفر عضو شورای دولتی و دو نفر هم که دارای نشان درجه اول افتخار بودند مورد شور قرار میگرفت .

سناتور ها از رسیدن به پاره مقامات عالی و قبول مأموریت موقت ممنوع نبودند . وزارت با عضویت مجلس سنا مانع الجمع نبود و وزراءیکه سناتور نبودند میتوانند بدون حق رأی در جلسات مجلس سنا شرکت کنند .

عده اعضای شورای دولتی بالغ بر پنجاه نفر بود . وزراء با حق رأی در جلسات شورای دولتی شرکت مینمودند . اعضای شورای دولتی را کنسول اول تعیین میکرد . ریاست شورای دولتی با وزیر دادگستری بود . شورای دولتی طبق دستور دولت لوایح قانونی تهیه کرده و بوسیله نمایندگان خود از لوایح پیشنهادی خویش در هیئت قانونگذاری دفاع مینمود . علاوه بر تهیه لوایح قانونی شورای دولتی نظامنامه های اجرای قوانین مصوب را تنظیم و بدولت پیشنهاد میکرد و همچنین شورای دولتی بعنوان محکمه عالی اداری به شکایات مردم از ادارات دولتی رسیدگی کرده احکام قطعی صادر مینمود .

پارلمان دارای دو مجلس بود که یکی تریبونا و دیگری هیئت قانونگذاری نامیده میشد .

ماده ۷۶ قانون اساسی ۱۸۰۲ مقرر میداشت که از ۱۸۰۵ بعد (سال سیزدهم جمهوری) مجلس تریبونا دارای پنجاه نفر عضو خواهد بود و هر سه سال انتخاب نصف این عده تجدید خواهد شد . مجلس تریبونا به چند شعبه تقسیم میشد . مجلس مزبور لوایح پیشنهادی دولت را مورد شور قرار داده آنرا تصویب یا رد مینمود سپس چند نفر از اعضای خود را مأمور میکرد که در جلسه هیئت قانونگذاری حضور بهم رسانیده دلایل مخالفت یا موافقت خود را با لوایح پیشنهادی دولت باستحضار آن مجلس برسانند . عده نمایندگان ولایات در هیئت قانونگذاری بسته به تعداد جمعیت آنها بود . هیئت قانونگذاری پس از استماع دلایل نمایندگان مجلس تریبونا لوایح مصوب مجلس مزبور را رد یا تصویب مینمود . انقضای تعطیل و تمدید دوره اجلاس هیئت

انوانگذاری با دولت بود در صورتی که انحلال مجلس مزبور بموجب تصویبنامه مجلس
سنا بعمل می‌آمد .

در رأس تشکیلات قضائی دیوان عالی تمیز قرار گرفته بود . مستشاران دیوان
بود را مجلس سنا بنا به پیشنهاد کنسول مادام‌العمر تعیین میکرد . ریاست کل دیوان
لی تمیز با وزیر دادگستری بود بعلاوه دولت مجاز بود ریاست محاکم استیناف را
ز به وزیر دادگستری که قاضی اعظم نامیده میشد واگذار کند .

فصل هفتم

قانون اساسی ۱۸۰۴ (سال دوازدهم جمهوری)

مبحث اول

تفویض مقام امپراطوری به ناپلئون بر ناپارت

تصویب قانون اساسی جدید

در ماه مارس ۱۸۰۴ چند نفر از هواخواهان خاندان بوربون (۱) که در روز آنها ژورژ کادودال (۲) نامی قرار گرفته بود توسطه بر علیه ناپلئون نمودند. هر چه این توسطه بلاخر مانده و ژورژ کادودال و مسبین دیگر مجاکمه و اعدام شدند و اصرافیان کنسول اول این سوء قصد را مورد استفاده سیاسی قرار داده بوسیله فرماندار و فرماندهان ارتش و قضات و مستخدمین ادارات و هیئت های انتخاباتی و دستجات دپارتمان ناپلئون تبریک و تهنیت گفته از او درخواست کردند که بمنظور استقرار امور و جلوگیری از عملیات تروریستی مقام امپراطوری را قبول نموده و آنرا در خانه خود موروثی کند. مجلس سنا نیز در اواخر ماه مارس بنا به پیشنهاد فوشه به معروضه ای به کنسول اول تقدیم و از او تقاضا نمود که عنوان امپراطوری را پذیرد و بدین وسیله خدمت بزرگ دیگری بملت فرانسه انجام دهد.

پس از دریافت معروضه مجلس سنا ناپلئون شورای دولتی را منعقد کرد. پیشنهاد مجلس سنا را مورد مطالعه قرار داده و نظر خود را اعلام کرد. در جلسه آوریل ۱۸۰۴ مجلس تریبوناً نیز یکی از نمایندگان پیشنهاد کرد که مقام امپراطوری به ناپلئون تفویض گردد. موضوع جهت مطالعه به کمیسیون مخصوصی ارجاع کرد و این کمیسیون تقاضای مذکور را تائید و به مجلس تریبوناً پیشنهاد کرد که ناپلئون

امپراطور فرانسه اعلام نموده و این عنوان را قابل انتقال به وراثت ذکوروی بداند. مجلس تریبونادر جلسه سوم ماه مه ۱۸۰۴ گزارش کمیسیون مخصوص راهبنی بر تفویض مقام امپراطوری به شخص ناپلئون و وراثت ذکور او تصویب نمود و چون هیئت تقنینیه در حال تعطیل بود از این رو نمایندگان حاضر در پاریس احضار و حضوراً رأی مجلس تریبون را تأیید نمودند. و اما پیشنهاد نمایندگان مجلس سنا و تصمیم مجلس تریبوناً و موافقت عدهای از اعیانای هیئت تقنینیه که در آن موقع در پاریس حضور داشتند برای ارتقاء کنسول اول بمقام امپراطوری کافی بنظر نمی رسید بلکه لازم بود که مجلس سنا با صدور تصویبنامه این اقدام را تسجیل کند. اینک مجلس مزبور در جلسه مورخ ۱۸ ماه مه ۱۸۰۴ پس از استماع گزارش کمیسیون مخصوصی که برای رسیدگی باین موضوع تشکیل یافته بود تصویبنامه ای (۱) دایر بر تفویض مقام امپراطوری به ناپلئون و جانشینان او صادر نمود سپس سنانورها دسته جمعی در قصر سن کلو حضور بهم رسانیده تصمیم سنا را به نامبرده اطلاع دادند. بنا به تقاضای ناپلئون تصویبنامه مجلس سنا با رأی عمومی ارجاع و با ۳۵۷۲۳۲۹ رأی موافق در مقابل فقط ۲۵۶۹ مخالف تأیید گردید و در ۶ ماه نو امبر ۱۸۰۴ مجلس سنا نتیجه آراء عمومی را اعلام نمود.

مبحث دوم

ولایتعهد - نیابت سلطنت - تفویضات امپراطور صغیر

قانون اساسی ۱۸ ماه مه ۱۸۰۴ (سال دوازدهم جمهوری) دارای ۱۴۲ ماده است که قسمت اعظم آن مربوط به ولایتعهد نیابت سلطنت افراد خانواده سلطنتی شخصینهای برجسته و افسران ارشد و مسائل مشابه میباشد. ماده اول مقرر میداشت: «حکومت جمهوری به یک نفر امپراطور تفویض میشود که دارای عنوان امپراطور فرانسیویها میباشد. قضاوت بنام امپراطور بعمل میآید».

ماده دوم قانون اساسی ۱۸۰۴ ناپلئون بوناپارت کنسول اول را امپراطور اعلام می نمود. بموجب مواد ۳ الی ۸ قانون اساسی مورد بحث ولایتعهد با عقباب کور ناپلئون بود.

زنان و مردانیکه قرابت آنها با ناپلئون بوسیله زنان بوده از حق نیل بولایتعهدی و رسیدن بمقام امپراطوری محروم بودند. در صورت نداشتن اولاد ذکور، ناپلئون می توانست پسران و نوه های پسران برادران خود را بفرزندگی انتخاب کند که در نتیجه آنها مانند اعقاب طبیعی و قانونی ناپلئون حق رسیدن به ولیمهدی را دارا میشدند و اگر ناپلئون بعد از پذیرفتن اولاد برادران خود بفرزندگی دارای اولاد ذکور قانونی میشد در این صورت اولاد مزبور از نظر نیل به ولایتعهدی بر اولاد خوانده مقدم شناخته میشدند چنانچه ناپلئون فاقد اولاد طبیعی قانونی و اولاد خوانده بود ولایتعهدی حتماً به برادر و ژوزف بوناپارت (۱) و اعقاب ذکور او تفویض میشد و در صورت فوت ژوزف بوناپارت یا امتناع او از قبول مقام امپراطوری یا بالاخره فقدان اولاد ذکور وی ولایتعهدی به برادر کوچکتر ناپلئون لوئی بوناپارت (۲) و اولاد ذکور او میرسید. در صورتیکه ناپلئون و برادران او فاقد اولاد ذکور بودند مجلس سنا یکنفر را به مقام امپراطوری انتخاب میکرد و تا انتخاب امپراطور جدید انجام وظایف وی با هیئت وزیران بود.

اعضای ذکور خاندان سلطنتی که حق نیل بولایتعهدی را داشتند در سال ۱۸ سالگی در مجلس سنا و شورای دولتی عضویت پیدا میکردند. ریاست خاندان امپراطوری با ناپلئون بود و مشارالیه بموجب فرمان روابط خود را با اقوام خود معین میکرد افراد خاندان امپراطوری بدون اجازه ناپلئون مجاز نبودند از دواج کنند. برادران ناپلئون و پسران قانونی او از خزانه دولت مستماری دریافت میداشتند.

در صورت فوت امپراطور ولیمهدی و فنی میتوانست شخصاً مملکت را اداره کند که دارای ۱۸ سال بود و اگر باین سن نرسیده بود یکنفر بعنوان نایب السلطنه تعیین میشد و از طرف امپراطور صغیر مملکت را اداره میکرد. نایب السلطنه بایستی ۲۵ سال عمر داشته باشد. زنان از حق نیابت سلطنت محروم بودند. نایب السلطنه را امپراطور از بین نزدیکترین اقوام ذکور خود تعیین میکرد و در صورت فقدان اقوام ذکور نایب السلطنه از بین شخصیت های برجسته (۳) انتخاب میشد. در صورت عدم انتخاب نایب السلطنه از طرف امپراطور مجلس سنا یکنفر را از افراد ذکور خاندان امپراطوری به نیابت سلطنت تعیین میکرد و چنانچه در خانواده سلطنتی کسی که دارای

۲۵ سال عمر بوده باشد پیدانمی شد در این مورد مجلس سنا از بین شخصیت‌های برجسته امپراطوری یک نفر را بعنوان نایب السلطنه انتخاب مینمود. در دوره نیابت سلطنت و سه سال بعد از رسیدن امپراطور صغیر به سن بلوغ مجلس سنا نمیتوانست با تصویب نامه قانون اساسی را تغییر دهد.

بر طبق ماده ۲۴ قانون اساسی نایب السلطنه بطور کلی تمام وظائف امپراطور صغیر را انجام میداد ولی از حق عزل و زيرداد گستری و وزیر امور خارجه و انتصاب سناتورهای جدید و پاره شخصیت‌های دیگر ممنوع بود. نایب السلطنه بنام امپراطور صغیر و از طرف او مملکت را اداره میکرد و مسئول عملیات و اقدامات خود نبود. نایب السلطنه موظف بود کلیه لوایح قانونی و نظامنامه‌های اجرای قوانین را قبلاً در شورای نیابت سلطنت که مرکب از شخصیت‌های برجسته بود طرح کند ولی نظر شورای مزبور در این مورد جنبه مشورتی داشته برای نایب السلطنه لازم الاجرا نبود اما اعلان جنگ و انعقاد قرارداد صلح و قراردادهای اتحاد نظامی و بازرگانی مستلزم موافقت نصف بعلاوه يك از اعضای شورای نیابت سلطنت بود و در صورت تساوی آراء موافق و مخالف نایب السلطنه اختلاف موجوده بین اعضای شورای مزبور را حل و تصمیم قطعی اتخاذ مینمود. مقرری نایب السلطنه بالغ بر ربع مقرری پادشاه بود. قیمومت امپراطور صغیر با مادرش بود و چنانچه و ليعهد فاقد مادر بود امپراطور يك نفر را به قیمومت جانشین صغیر خود تعیین میکرد. در صورت فوت مادر امپراطور صغیر و عدم انتخاب قیم از طرف امپراطور متوفی مجلس سنا یک نفر را از بین شخصیت‌های برجسته به قیمومت تعیین مینمود بهر حال سنا حق نداشت نایب السلطنه و اعقاب او و همچنین زنان را به قیمومت امپراطور نابالغ انتخاب کند.

بحث سوم

سنا - شورای دولتی - هیئت تقنینیه - مجلس ژرپونا

یکی از ارکان مهم دستگاه دولتی مجلس سنا بود که از دستجات ذیل

تشکیل میشد:

- ۱- افراد ذکور خاندان سلطنتی.
- ۲- شخصیت‌های برجسته امپراطوری.

۳- بیست و چهار نفر که امپراطور از بین اعضای هیئت های ولایتی تعیین میکرد.

۴- اشخاصیکه امپراطور به تشخیص و صلاحدید خود به سناتوری انتخاب می نمود.

امپراطور از بین اعضای مجلس سنایکنفر ابرای مدت یکسال بر باست مجلس مزبور تعیین میکرد. مجلس سنا دارای دو کمیسیون دائمی بود که یکی کمیسیون آزادی شخصی و دیگری کمیسیون آزادی مطبوعات نامیده میشد. هر يك از این دو کمیسیون هفت نفر عضو داشت که مجلس سنا از بین اعضای خود انتخاب میکرد. وظائف کمیسیونهای مزبور بشرح ذیل بود:

اشخاصیکه از طرف مقامات انتظامی دستگیر شده و در ظرف مدت ده روز از تاریخ توقیف برای محاکمه به مقامات قضائی تسلیم نمیشدند می توانستند شخصاً یا بوسیله و کلاء و اقواء خود به کمیسیون آزادی شخصی مجلس سنا شکایت کنند. کمیسیون موضوع را به وزیری که حکم بازداشت شاکی را صادر نموده بود اطلاع میداد. چنانچه بازداشت شدگان در ظرف ده روز برای محاکمه به مقامات قضائی تسلیم نمیشدند وزراء ملزم بودند موضوع را باستحضار کمیسیون برسانند و اگر بنظر کمیسیون مصالح کشور ادامه توقیف را ایجاب نمی کرد در این صورت کمیسیون از وزیر طرف شکایت درخواست میکرد که محبوس را آزاد کند یا او را تسلیم دادگستری نماید. در صورت عدم انجام این تقاضا مجلس سنا بنا به پیشنهاد کمیسیون آزادی شخصی، وزیری را که از انجام تقاضای موجه کمیسیون استنکاف می ورزید با اتهام بازداشت غیر قانونی مورد تعقیب قرار میداد.

علاوه بر کمیسیون آزادی فردی يك کمیسیون مخصوص دیگری هم بود. کمیسیون آزادی مطبوعات وجود داشت بشرح اینکه مؤلفین، صاحبان چاپخانهها و کتابفروشی ها و مدیران جراید حق داشتند از مواعی که مقامات دولتی در چاپ و انتشار کتب و مجلات و روزنامه ها و غیره ایجاد میکردند بکمیسیون آزادی مطبوعات عارض شوند. چنانچه به تشخیص کمیسیون مواعی مورد تظلم را مصالح کشور ایجاب نمی نمود از وزیر طرف شکایت درخواست میشد که اقدام غیر قانونی خود را لغو کند و اگر وزیر از انجام چنین تقاضائی خودداری میکرد در این صورت مجلس سنا بنا به پیشنهاد

کمیسیون مطبوعات قرار تعقیب آن وزیر را صادر می نمود. این دو کمیسیون مانند سایر مقامات رسمی دوره ناپلئون جنبه تشریفاتی داشته و دائماً و همیشه اقدامات عملیات خلاف قانون ناپلئون و وزراء او را تسجیل میکردند و اما وظیفه اساسی مجلس سنا همانا تشخیص مطابقت قوانین مصوب هیئت تقنینیه با قانون اساسی بود. این معنی که قوانین بلافاصله پس از تصویب به مجلس سنا فرستاده میشد و مجلس زبور حق داشت در ظرف مدت ۶ روز از تاریخ تصویب قانون آنرا بعلت میبایست قانون اساسی غیر قابل اجراء اعلام کند سپس تصمیم مجلس سنا با استحضار امپراطور میرسید و وی پس از استعلام نظر مشورتی شورای دولتی رأی سنا را تأیید نموده اجرای قانون مصوب هیئت تقنینیه خودداری میکرد یا نظر سنا را رد نموده قانون مصوب را بموقع اجراء میگذاشت.

یکی دیگر از ارکان دستگاه دولتی شورای دولتی بشمار میرفت. شورای دولتی موظف بود لوایح قانونی و نظامنامه های اجرای قوانین مصوب (۱) را تهیه کند علاوه بر این شورای دولتی بعنوان محکمه عالی اداری بشکایات مردم ادارات دولتی رسیدگی میکرد. برای رسمیت جلسات شورای دولتی که اختصاص تهیه لوایح قانونی و تنظیم نظامنامه های اجرای قوانین داشت حضور دولت اعضا ضروری بود و برای سایر امور اکثریت عادی کافی بود. شورای دولتی بخش شعبه دین و امور داخلی و امور مالی و امور نظام و امور بحریه نظامی و امور تجارتنی سیم میشد. وزراء بواسطه مقام خود در شورای دولتی عضویت داشتند.

در تکمیل مواد ۷۵ و ۷۶ و ۷۷ قانون اساسی سال دوازدهم جمهوری ناپلئون ۲۲ ژوئیه ۱۸۰۶ فرمانی صادر نمود که بموجب آن سازمان و وظائف شورای دولتی تعیین میگردد. باینکه شورای دولتی در زمان ناپلئون جنبه مشورتی داشته و تصمیمات آن برای دولت لازم الاجرا نبود معذک ناپلئون بشورای مزبور علاقه و اعتماد زیاد داشته و قبل از اینکه تصمیمی در امور مهم مملکتی اتخاذ کند نظر شورای مزبور را خواست و بر اثر همین اعتماد و اطمینان بود که شورای دولتی در تدوین قانون مدنی قانون جزاء قانون تجارت و اصول محاکمات نقش مهمی ایفاء نمود.

هیئت تقنینیه دو نوع جلسه داشت که یکی رسمی و دیگری خصوصی بود.

در جلسه رسمی، هیئت تقنینیه پس از استماع نمایندگان شورای دولتی و مجلس تریبون بدون شور و مذاکره بلا یحه قانونی رأی مخالف یا موافق میداد. و اما بنا به تقاضای پنجاه نفر عضو هیئت قانونگذاری یا نمایندگان شورای دولتی و یا بالاخره طبق تصمیم رئیس هیئت برای شور و مذاکره جلسه خصوصی تشکیل میشد. مذاکره در جلسه خصوصی قابل انتشار نبود.

اعضای مجلس تریبون برای مدت ۱ سال انتخاب میشدند و هر پنج سال انتخاب نصف آنها تجدید میشد. مجلس تریبون سه نفر را برای مخفی و با کثرت آراء در نظر گرفته و با امپراطور پیشنهاد میکرد و مشارالیه از بین آنها یک نفر را برای مدت دو سال ریاست مجلس تریبون تعیین مینمود. تریبون به سه شعبه (قوانین، امور داخلی و امور مالی) تقسیم میشد. رسیدگی بلوایح قانونی در شعب سه گانه بعمل میآمد و مجمع عمومی مجلس تریبون از رسیدگی بلوایح ممنوع بود.

برای محاکمه افراد خاندان سلطنتی و شخصیت های برجسته و وزراء و سناتورها و اعضای شورای دولتی و افسران ارشد دادگاهی بنام دادگاه عالی امپراطوری (۱) دایر بود. علاوه دادگاه مزبور اشخاصی را که متهم به توطئه بر علیه شخص امپراطور و ولیعهد بودند و همچنین مجرمین سیاسی و مأمورین عالی مقام نظامی و کشوری را محاکمه میکرد. دادرسان دیوان عالی امپراطوری عبارت بودند از شاهزادگان شخصیت های برجسته امپراطوری، وزیر دادگستری و عده ای از سناتورها و اعضای شورای دولتی و مستشاران دیوان کشور. سناتورها اعضای شورای دولتی و مستشاران دیوان کشور بترتیب سابقه خدمت در دادگاه عالی امپراطوری عضویت پیدا میکردند. علاوه بر دادستان که امپراطور انتخاب مینمود دادگاهشش نفر دادیار داشت که سه نفر را امپراطور و سه نفر دیگر راهیئت تقنینیه بنا به پیشنهاد مجلس تریبون تعیین میکرد. ریاست دادگاه با مهرداد اعظم (۲) بود. جلسات دادگاه با حضور شصت نفر دادور تشکیل میگردد. جلسات دادگاه اصولاً علنی بود. هر چند احکام دادگاه قطعی و غیر قابل تجدید نظر بود معذک برای اجرای احکامی که متضمن مجازات یا رسوا کننده بود موافقت امپراطور ضرورت داشت.

پس از تصویب قانون اساسی سال دوازدهم جمهوری چند تصویب‌نامه از مجلس
گذشت که اهم آنها از این قرار است :

- ۱- تصویب‌نامه مورخ نوزدهم اوت ۱۸۰۷ که بموجب آن مجلس تریبونا
جل گردید .
- ۲- تصویب‌نامه مورخ ۱۲ اکتبر ۱۸۰۷ که بر طبق آن مقرر گردید قضاتی که
آنتاریخ مادام‌العمر انتخاب میشدند برای مدت معینی تعیین گردند .
- ۳- تصویب‌نامه مورخ ۵ فوریه ۱۸۱۳ که بر طبق آن مجلس سنا حق نیابت
طنت را برای زن امپراطور قائل شد .
- ۴- تصویب‌نامه مورخ ۱۵ نوامبر ۱۸۱۳ که مطابق آن ماده ۸ قانون اساسی
۱۸۰۷ مورد تجدیدنظر قرار گرفته و حق انتخاب رئیس هیئت تقنینیه به امپراطور
ویض گردید .

قسمت دوم

تشکیلات سیاسی فرانسه از سال ۱۸۱۴ تا ۱۸۷۰

فصل اول

قانون اساسی مصوب ۲ ژوئن ۱۸۱۴

مبحث اول

مقررات ناپلئون - بازگشت خاندان بوربون - قانون اساسی جدید پس از اشغال پاریس از طرف ارتش متفقین مجلس سنادر اول ماده آوریل ۱۴ بریاست تالیران (۱) تشکیل جلسه داده يك حکومت موقت مرکب از تالیران مارش برنونیویل (۲) مارشال پیرمونتسکیو (۳) ژو کور (۴) دالبرگ (۵) که یکی از درج نامی آن زمان بشمار میرفت و شارل موریس (۶) وزیر امور خارجه دوره مدیر و کنسولی و امپراطوری تشکیل داده و در سوم آوریل ناپلئون را از مقام امپراطور منفصل و در همان جلسه بنابه پیشنهاد تالیران بازگشت خاندان بوربون را تصویب نمود. نظر به اهمیت موضوع انفصال ناپلئون از مقام امپراطوری و انتقال تاج و تخت فرانسه به لوئی هیجدهم به درج تصویب نامه مزبور مبادرت میشود. مفاد تصویب نامه بشرط زیر است.

نظر باینکه در سلطنت مشروطه وجود پادشاه متکی به قانون اساسی یاقرارداد اجتماعی است.

۲ - Maréchal Beurnonville

۱ - Talleyrand

۳ - Maréchal Pierre de Montesquieu

۵ - Dalberg

۴ - Jaucourt

۶ - Charles Maurice

نظر باینکه ناپلئون بوناپارت در ایام زمامداری متین و عاقلانه خود ملت را وار ساخته بود که در آتیه انتظار اقدامات حکیمانه و عادلانه‌ای از او داشته باشد سپس پیمانی که او را با مردم فرانسه بهم می‌پیوست بخصوص با برقراری مالیاتها ارض مخالف قانون و سوگندی که هنگام جلوس بر تخت سلطنت یاد کرده بود ال شد .

نظر باینکه با عدم تشکیل جلسات هیئت قانونگذاری و انکار عنوان و سهم ت مزبور در نمایندگی ملی به حقوق ملت سوء قصد نمود .

نظر باینکه برخلاف ماده ۵ قانون اساسی مورخ ۲۲ فریمر (۱) سال هشتم مقرر میدارد اعلان جنگ باید به صورت لایحه قانونی بقوه مقننه پیشنهاد و پس از العه تصویب و اجرا گردد به يك سلسله جنگ اقدام نمود .

نظر باینکه برخلاف مقررات قانون اساسی چندین فرمان اعدام صادر نمود و جب دو فقره فرمان مورخ ۵ مارس گذشته جنگی را که برای بر آوردن جاه طلبی ناپروازی او برپا شده بود ملی میشناخت .

نظر باینکه با فرامین خود درباره زندانهای دولتی قوانین اساسی را نقض ده است .

نظر باینکه مسئولیت وزیران را از بین برده و کلیه اقتدارات را در هم نموده بتقلال هیئت قضات را نابود ساخته است .

نظر باینکه آزادی مطبوعات را که یکی از حقوق مسلم ملت بشمار میرود تحت سانسور مستبدانه نظمی خود قرار داده و در عین زمان از مطبوعات بمنظور اکاذیب و مطالب موهن برای دول خارجی استفاده نموده و در انتشار اسناد ارشهایی که در سنا قرائت شده تحریفاتی بعمل آورده است .

چون بجای آنکه طبق سوگند خود فقط بنفع سعادت و عظمت فرانسه حکومت ناپلئون از مندا کره صلح تحت شرایطی که منافع ملی قبول آنرا لازم میدانست رافت فرانسه لطمه وارد نمیاورد امتناع ورزیده و بدین طریق فلاکت و بدبختی را بعد اعلی رسانده است .

چون از کلیه وسائل اعم از افراد و وجوهی که در اختیار او گذاشته شده بود

سوء استفاده نموده و زخمی‌ها را بدون مداوا و کمک و تغذیه ترك کرده و اقدام بعمل آورده که نتیجه آن تخریب شهرها و تقلیل سکنه دهستانها و بروز قحطی و شیوع امراض مسری بوده است .

چون بعامل مذکور دولت امپراطوری که بموجب تصویبنامه مورخ ۲۸ فلوریال سال دهم ایجاد شده بود دیگر وجود ندارد و خواسته تمام فرانسویان استقرار نظر است که نخستین نتیجه آن برقراری صلح و آشتی بین تمام دول عضو خانواده بزرگ اروپا میباشد .

سنا مراتب ذیل را اعلام میدارد :

ماده اول - ناپلئون بوناپارت از مقام امپراطوری منفصل و حق جانشینی امپراطور خانواده او نیز ملغی میگردد .

ماده دوم - ملت و ارتش فرانسه از سوگند وفاداری نسبت به ناپلئون بوناپارت معاف میشوند .

ماده سوم - این فرمان بدون تأخیر بوسیله پیام حکومت موقت فرانسه به تمام ولایات و سپاهها فرستاده خواهد شد و در تمام محله‌های پایتخت منتظر خواهد گردید .

تصمیم مجلس سنا مبنی بر انفصال ناپلئون از مقام امپراطوری در جلسه سه آوریل ۱۸۱۴ به تصویب هیئت تقنینیه رسید . ناپلئون که با گارد امپراطور در قصر فونتن بلو (۲) بسر میبرد در ۴ آوریل بفرار پس سه سال خود موسوماً دوک دورایخ شتادت (۳) از مقام امپراطوری استعفا کرد ولی بر اثر اصرار متفقین در ۱۱ آوریل بدون قید و شرط کناره‌گیری نموده و در ۲۰ آوریل عازم جزیره الب (۴) واقع در دریای مدیترانه گردید .

و اما قبل از استعفای ناپلئون مجلس سنا يك کمیسیون هفت نفری جهت تهیه طرح قانون اساسی جدید انتخاب نمود . طرح تنظیمی کمیسیون مزبور در جلسه ۶ آوریل با اتفاق آراء بتصویب رسید و روز بعد یعنی در ۷ آوریل هیئت تقنینیه نیز همین طرح را با اتفاق آراء تصویب نمود . قرار بود طرح مصوب که قانون اساسی سنا (۵)

۱ - floréal ماه هشتم سال جمهوری (از ۲۰ آوریل تا ۱۹ مه) .

۲ - Duc de Reichstadt

۳ - Fontainebleau

۴ - Constitution sénatoriale

۵ - Elbe

پایه میشد به آراء عمومی ارجاع گردد ولی بر اثر مخالفت لوئی هیجدهم از ارجاع آراء عمومی صرف نظر شده و خود طرح از بین رفت سپس کمیسیون جدیدی مرکب نمایندگان پادشاه و مجلس سنا و هیئت تقنینیه تشکیل گردید که طرح قانون اساسی جدید فرانسه را تنظیم و به تصویب برساند. در ۴ ژوئن ۱۸۱۴ طرح پیشنهادی کمیسیون در جلسه مشترک مجالس با حضور پادشاه قرائت و پس از تصویب، از طرف شاه ابلاغ و بموقع اجرا گذاشته شد.

قانون اساسی جدید موسوم به منشور اساسی (۱) دارای يك مقدمه و ۷۶ ماده اشده. متن مقدمه از اینقرار است:

« خداوند متعال که پس از غیبت طولانی ما را مجدداً بکشورمان خوانده و وظائف می بعهده ما محول فرموده است. اولین احتیاج اتباع ما صلح بود ما هم بلادرنك ن پرداختیم و این صلح که برای فرانسه مانند بقیه اروپا لازم بود بامضاء رسید. نفع کنونی کشور احتیاج به يك قانون اساسی داشت ما آنرا وعده کرده بودیم کنون ابلاغ مینمائیم. با توجه باینکه در فرانسه تمام قدرت در اختیار پادشاه است سلاف ما اعمال آنرا با در نظر گرفتن شرایط زمانی تغییر داده بودند بدین طریق لی تنومند (۲) مزایائی برای رعایا قائل شده سپس لوئی مقدس (۳) و فلیپ جمیل (۴) وق آنها را تائید نموده و توسعه دادند.

قوانین لوئی یازدهم و هانری دوم (۵) و شارل نهم (۶) اساس برقراری نظم مائی و توسعه آن بوده است و بالاخره لوئی چهاردهم تقریباً کلیه قسمتهای ادارات ملتی را بوسیله فرامین مختلفه با درایتی که تا آن زمان از آن بالاتر دیده نشده بود لیم نمود. ما هم بمثال پادشاهان سلف خود از تأثیر ترقیات روز افزون و روابط جدیدی که ترقیات مزبور در جامعه ایجاد نموده و تمایلی که در نیم قرن اخیر بافکار هاند و تحولاتی که از آن حاصل گردیده مستحضر هستیم و توجه نموده ایم که اعمال ما برای ایجاد يك قانون اساسی ناشی از احتیاجات حقیقی آنان میباشد ولی با قبول این آن احتیاط کامل بعمل آورده ایم که قانون مزبور لایق ما و ملتی باشد که افتخار بانروائی آنرا داریم افراد دانا و عاقلی از میان طبقه اول کشور به نمایندگان شورای ما

Louis le Gros — ۲
Philippe le Bel — ۴
Charles IX — ۶

Charte constitutionnelle — ۱
Saint Louis — ۳
Henri II — ۵

ملحق شده اند که این عمل مهم را انجام دهند در عین حال که اذعان داریم اروپای روشنفکر انتظار یک حکومت مشروطه آزاد را دارد بخاطر نیز داریم که وظیفه اولی ما نسبت به ملت این است که بنفع آن حقوق و مزایای تاج و تخت خود را محفوظ بداریم .

ما امیدواریم که در نتیجه تجربه ، ملت یقین حاصل کرده باشد که فقط قدرت عالی است که میتواند بمؤسساتی که ایجاد مینماید نیرو و دوام و عظمتی را که خود دارد بدهد . بدین طریق زمانی که درایت سلاطین با نیت ملل تطبیق مینماید قانون اساسی دارای دوام خواهد بود ولی هنگامی که باشدت عمل و استفاده از ضعف دولت امتیازاتی کسب مینمایند آزادی عمومی مانند تاج و تخت سلطنتی در خطر خواهد بود . اصول قانون اساسی را در اخلاق فرانسوی و آثار مقدس قرون گذشته کاوش نموده و بدین لحاظ طبقه نجبا را یکی از مبانی ملی تشخیص داده ایم که باید مخاطرات گذشته و تجربیات را با یکدیگر مربوط ساخته و از مننه قدیم و جدید را با هم به پیوند و مجلس مبعوثان را جانشین مجالس قدیمی کردیم که نسبت بمنافع ملت ابراز جدیت نموده و وفاداری و احترام خود را نیز نسبت بمقام سلطنت ظاهر نماید . با سعی در ارتباط سلسله ایام که تجاوزات ناروایی آنها از هم گسیخته بود کلیه مصائبی را که در غیاب ما ملت وارد نموده بودند همانطور که آرزو داریم از صفحه تاریخ محو گردد از خاطر خود محو نمودیم . خوشوقت از رجعت در این خانواده بزرگ در مقابل ابراز آنهمه علاقه جز اظهار و بیان تسلی نمیتوانیم پاسخ می دهیم و گرامی ترین ادعیه ما این است که تمام فرانسویان مانند برادر با یکدیگر زندگی نمایند و هیچ خاطره تلخی امنیتی را که باید در تعقیب اعطاء فرمان رسمی امروز ایجاد گردد متزلزل نسازد . با اطمینان بمقاصد و اتکاء بوجدان خود در مقابل مجلس که بسخن ما گوش میدهد تعهد مینمائیم که نسبت باین قانون اساسی وفادار باشیم و در پیشگاه آنکه سلاطین و ملل را در یک ترازو می سنجد مجدداً سو گند یاد میکنیم که آنرا حفظ نمائیم . مطابق میل خود و با اعمال آزادانه اقتدارات سلطنتی با این شرایط موافقت داشته و منشور اساسی را از طرف خود و همچنین از طرف جانشینانمان ، باتباع خود برای همیشه اعطاء مینمائیم .

فصل اول - (مواد ۱ تا ۱۲) قانون اساسی اعطائی در خصوص حقوق و وظائف

مردم چنین مقرر میداشت :

« فرانسویان بدون توجه به عناوین و مقام در مقابل قانون مساوی هستند . تمام فرانسویها به تناسب دارائی خود مالیات و عوارض میپردازند . تمام مردم فرانسه بدون استثنا ، حق اشتغال بمشاغل نظامی و کشوری را دارند . آزادی شخصی فرانسویها تضمین میشود بدین معنی که هیچکس را نمیتوان دستگیر و بازداشت نمود مگر با رعایت شرایط قانونی و در مواردیکه قانون پیش بینی میکند . هر کس مجاز است با آزادی کامل طبق قوانین مذهب خود عمل کند . باینکه تمام مذاهب بطور مساوی مورد حمایت دولت میباشد معذالك مذهب کاتولیک آئین دولتی شناخته میشود . مأمورین مذهب کاتولیک و سایر ادیان مسیحی از خزانه دولت حقوق میگیرند . فرانسویها با رعایت قوانین مربوطه حق دارند عقاید و نظریات خود را منتشر کنند . حق تملك اموال منقول و غیر منقول غیر قابل نقض و مصون از تعرض و تجاوز میباشد ولی در مواردیکه منافع دولت ایجاب کند سلب مالکیت جایز است مشروط بر اینکه قیمت ملك مورد نظر پرداخته شود . تعقیب و مجازات اشخاص برای نظریاتی که قبل از بازگشت خانواده بوربون به فرانسه اظهار داشته اند و رأییکه داده اند ممنوع است . نظام اجباری ملغی و طریقه استخدام افراد و ملاحان را قانون معین خواهد کرد . »

مبحث دوم

پادشاه و وزراء

بموجب قانون اساسی ۴ ژوئن ۱۸۱۴ اهم وظائف پادشاه بشرح زیر بود :

- ۱- از لحاظ ریاست قوه مجریه پادشاه وزراء و سایر مأمورین عالی مقام نظامی و کشوری را عزل و نصب مینمود . فرماندهی کل قوای زمینی و دریائی با پادشاه بود . پادشاه اعلان جنگ میداد و قرارداد صلح و اتحاد نظامی و عهدنامه های بازرگانی و اقامت و غیره را منعقد میساخت . پادشاه نمایندگان سیاسی و کنسولی به ممالک خارجه میفرستاد و نمایندگان ممالک مزبور را می پذیرفت . پادشاه حق داشت در تمام کشور یا يك قسمت آن حکومت نظامی اعلان کند . بر اثر استقرار حکومت نظامی آزادی شخصی و مسکن و مطبوعات و اجتماعات و غیره بطور موقت لغو یا محدود گردیده و اداره تمام کشور یا قسمتی از نقاط آن به مأمورین نظامی واگذار میشد و همچنین محاکمه بعضی جرائم بدادگاه های نظامی ارجاع میشد . اعطای عناوین

اشرافی و درجات و نشان و غیره با پادشاه بود. ضرب مسکوکات با رعایت قوانین مربوطه بنام پادشاه بعمل می‌آمد.

۲- پادشاه در اعمال قوه مقننه شریک و سهیم بوده و باین عنوان دوره اجلاسیه مجلس مبعوثان و مجلس اعیان را افتتاح میکرد. حق تعطیل مجالس با پادشاه بود. پادشاه مجاز بود مجلس مبعوثان را منحل کند ولی ملزم بود مجلس جدید را در ظرف سه ماه از تاریخ انحلال مجلس سابق منعقد سازد. حق پیشنهاد لوایح قانونی با پادشاه بود و مجالس مقننه از اعمال این حق محروم بودند فقط قانون اساسی به هر یک از مجلسین اجازه میداد که با جلب موافقت مجلس دیگر توجه پادشاه را به یک موضوع قانونی جلب و استدعا کند که راجع به آن موضوع یک لایحه قانونی تهیه و برای شور و تصویب به مجالس ارسال دارند. پادشاه حق داشت لوایح قانونی را به تشخیص و صلاحدید خود به مجلس مبعوثان یا مجلس اعیان پیشنهاد کند باستثناء لوایح مالی که بایستی قبلاً به مجلس مبعوثان فرستاده شود. حق توشیح و ابلاغ قوانین با پادشاه بود.

۳- قضاوت ناشی از پادشاه بود. پادشاه قضات را تعیین میکرد. اعمال حق عفو و تخفیف مجازات با پادشاه بود.

شخص پادشاه مقدس و از مسئولیت مبری بود. قبل از جلوس بر تخت سلطنتی پادشاه قسم یاد میکرد که قانون اساسی را حافظ و حامی بوده و بر طبق آن سلطنت کند. مخارج دستگاه پادشاهی برای تمام دوره سلطنت معین میگردد.

بطوریکه فوقاً کرشد عزل و نصب وزراء با پادشاه بود بدون اینکه مجالس مقننه دخالتی در این امر داشته باشند. وزراء مجاز بودند با حفظ مقام وزارت در یکی از مجلسین عضویت داشته باشند. وزراء در مقابل مجالس مسئولیت جزائی داشتند بدین معنی که قرار تعقیب آنها را مجلس مبعوثان صادر و مجلس اعیان آنها را محاکمه میکرد.

مبحث سوم

مجالس مقننه

پارلمان دارای دو مجلس بود که یکی مجلس اعیان (۱) و دیگری مجلس

مبعوثان (۱) نامیده میشد. اعضای مجلس اعیان را پادشاه مادام‌العمر یا بطور موقوتی تعیین میکرد. چون عده نمایندگان مجلس اعیان محدود نبود لذا پادشاه میتواند یک عده را به تشخیص و صلاحدید خود به عضویت مجلس مزبور تعیین نموده بدینوسیله قیافه سیاسی آن مجلس و بالنتیجه تمام دستگاه تقنینیه را تغییر دهد. افراد خانواده سلطنتی با اجازه پادشاه که برای یک دوره تقنینیه صادر میشد در سن ۲۵ سالگی حق داشتند در مذاکرات مجلس شرکت نموده و رأی دهند در صورتیکه سایر اعضای مجلس مزبور در سن ۲۵ سالگی حق شرکت در جلسات را داشته و در سن ۳۰ سالگی از حق رأی استفاده میکردند. ریاست مجلس اعیان با مهردار فرانسه (۲) بود و در غیاب او یکی از اعضاء آن مجلس با انتخاب پادشاه و وظائف ریاست را انجام میداد. جلسات مجلس اعیان علنی نبود.

اعضای مجلس مبعوثان از طرف مردم انتخاب میشدند. برای رأی دادن داشتن لا اقل ۳۰ سال عمر و پرداخت ۳۰۰ فرانک مالیات مستقیم لازم بود. و این دو شرط یعنی سی سال لا اقل عمر و پرداخت ۳۰۰ فرانک مالیات مستقیم باندازه‌ای سنگین بود که از سی میلیون جمعیت فرانسه در حدود فقط صد هزار نفر حق رأی داشتند. برای انتخاب شدن به عضویت مجلس مبعوثان ۴۰ سال لا اقل عمر و پرداخت هزار فرانک مالیات مستقیم ضروری بود. اگر در یکی از ولایات عده اشخاصی که دارای ۴۰ سال عمر بوده و هزار فرانک لا اقل مالیات مستقیم میپرداختند کمتر از پنجاه نفر بود در این صورت به اشخاصی که کمتر از هزار فرانک مالیات میدادند اجازه داده میشد که به عضویت مجلس مبعوثان انتخاب شوند. منظور واضعین مقررات فوق‌الذکر این بود که افراد خیلی جوان و بی بضاعت را از حق رأی محروم نموده نمایندگی مجلس مبعوثان را منحصر بافراد پولدار و مسن کنند تا از انتخاب اشخاص آزادیخواه که بیشتر از طبقه جوانان بوده و میباشند جلوگیری شود. در هر حوزه انتخابیه لا اقل نصف اعضای مجلس مبعوثان بایستی از بین اشخاصی انتخاب شوند که در همان حوزه سکونت داشتند. انتخابات مستقیم و مخفی بود و رأی متعدد بموجب قانون ۲۹ ژوئن ۱۸۲۰ معمول گردید بدین معنی اشخاصیکه بیشتر از میزان معین در قانون عایدی داشتند دارای

دو رأی بودند. رأی متعدد در فرانسه تا ۱۸۳۱ مرسوم بوده و در آن تاریخ ملغی گردید. اعضای مجلس مبعوثان برای ۵ سال انتخاب میشدند و هر سال انتخاب یک پنجم آنها تجدید میشد. برخلاف مجلس اعیان جلسات مجلس مبعوثان علنی بود ولی بنابه تقاضای پنج نفر نماینده جلسه سری تشکیل میگردد. از بین پنج نفر نماینده که مجلس مبعوثان پیشنهاد میکرد پادشاه یک نفر را بریاست آن مجلس تعیین مینمود. جلسات مجلسین در عین زمان شروع و پایان می یافت.

مجالس اصولاً متساوی الحقوق بودند و اما برخلاف این اصل مجلس اعیان وظایف قضائی داشت بدین معنی که محاکمه وزراء و متهمین به خیانت و توطئه بر ضد امنیت کشور با مجلس مزبور بود. به علاوه چنانچه یکی از نمایندگان مجلس اعیان مرتکب جنایتی میشد او را مجلس مزبور محاکمه میکرد. نمایندگان مجلسین مصونیت جزائی داشتند بدین ترتیب که توقیف و محاکمه آنها در زمان اشتغال بدون اجازه مجلسی که در آن عضویت داشتند ممنوع بود مگر در موارد جرائم مشهوده. چون پیشنهاد لوایح قانونی اختصاص به پادشاه داشت و مجالس از اعمال این حق محروم بودند از این رو نمایندگان مجاز نبودند مواد اصلاحی به لوایح قانونی پیشنهاد کنند مگر با موافقت پادشاه.